

فصلنامه مطالعات سیاسی
سال هشتم، شماره ۳۱، بهار ۱۳۹۵
صفحات: ۹۹-۱۲۶
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۴؛ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۱۱

تاثیر تحریم‌های اعمال شده بر فروش نفت و نوسانات نرخ ارز در ایران؛ مقایسه موردی دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی و احمدی نژاد

دکتر آرمین امینی*

چکیده

نوسانات شدید نرخ ارز در بین سال‌های ۹۲-۱۳۹۰ که تاثیر مستقیم بر قیمت کالا داشت و باعث افزایش نرخ کالا و نیز تورم گردید، با افزایش تحریم‌های بین‌المللی، در سال ۱۳۹۰ با تحریم بانک مرکزی و در سال ۱۳۹۱ با تحریم نفت ایران، همراه بود. این امر تحلیل گران مسائل اقتصاد سیاسی را با این سوال مواجه نمود که آیا تحریم‌های نفتی ایران سبب افزایش نرخ ارز گردیده است؟ در همین راستا هدف اصلی این مقاله بررسی تاثیر تحریم‌های نفتی بر نوسانات نرخ ارز می باشد. بدین منظور در این مقاله، به مقایسه دوره دوم ریاست جمهوری سیدمحمدخاتمی (۱۳۸۴-۱۳۸۰) که نرخ ارز از نوسانات کمتری برخوردار بود و البته از افزایش تحریم‌ها نیز در این دوره جلوگیری شد، با دوره دوم ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد (۱۳۹۲-۱۳۸۸) که نرخ ارز از نوسانات بیشتری برخوردار گردید و تحریم‌ها نیز افزایش پیدا کرد، خواهیم پرداخت و با این مقایسه به این نتیجه خواهیم رسید که تحریم‌های اعمال شده بر فروش نفت ایران، با توجه به اینکه بیش از ۷۵ درصد از درآمدهای ارزی ایران حاصل از فروش نفت می باشد، باعث افزایش نوسانات نرخ ارز گردیده است. در این تحقیق تحریم نفتی به عنوان متغیر اصلی و نوسانات نرخ ارز به عنوان متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت.

کلید واژه‌ها

تحریم‌ها، نوسانات نرخ ارز، صندوق ذخیره ارزی، درآمدهای نفتی، دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی و احمدی‌نژاد.

arminamini8@gmail.com

*دانشیار گروه روابط بین‌الملل، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران

مقدمه

تحریم به‌عنوان ابزار فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها همواره مد نظر بوده و ادبیات آن نیز یکی از بحث‌انگیزترین و غیر قطعی‌تری ادبیات‌ها در روابط بین‌الملل است. با توجه به فضای موجود داخلی و بین‌المللی درباره تحریم ایران، این پژوهش تلاش دارد برخی از این رهیافت‌ها و دیدگاه‌های نوین را در ارتباط با کارآیی تحریم‌ها بویژه تحریم اقتصادی از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل بررسی و تبیین کند. قرن بیستم را باید سرآغاز حرکتی جدید در استفاده از ابزار اقتصادی در سیاست خارجی شمرد. از گذشته دور کشورهای قدرتمند اقتصادی جهان از ابزار تحریم بخصوص تحریم اقتصادی به‌عنوان یکی از اهرم‌های فشار استفاده می‌کردند. تحریم به‌عنوان ابزار فشار و اجبار در پیشبرد اهداف سیاست خارجی کشورها سابقه طولانی و تقریباً نامشخص دارد. به‌عبارت دیگر، اگرچه تحریم‌ها و محاصره اقتصادی بیشتر به سیاست جهانی معاصر مربوط است اما استفاده از این شیوه در تاریخ سابقه طولانی دارد. با ایجاد جامعه بین‌الملل و متعاقب آن سازمان ملل، تحریم اقتصادی اهمیتی تازه در ماهیت و اجرا به دست آورد. در دوران جنگ سرد، الگو و تنوع در تشبث به تحریم فراوان بود. بین ۱۹۴۵ و ۱۹۹۰ بعضی از اشکال تحریم بر دیگر ملل بیش از ۶۰ بار و با نرخ میانگین سالانه بیش تر از یک مورد تحریم جدید تحمیل شد. بیش از سه چهارم این موارد تحریم‌ها به وسیله آمریکا شروع و تداوم یافت. از میان این دسته، بیش از سه چهارم موارد صرفاً توسط آمریکا و بدون شرکت دیگر کشورها اعمال شد (طغیان، ۱۳۹۳: ۱۰-۹).

اگرچه تاریخ تعارض آمریکا به ایران در دوره جدید حیات نظام سیاسی در ایران، به آغازین روزهای خیزش انقلابی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره) باز می‌گردد و طی این دوره طولانی ایران شاهد اعمال گونه‌های مختلفی از فشار بوده است، اما این واقعیت که تغییر شرایط محیطی و ابزارهای حقوقی و فناورانه، آمریکا را به سوی طراحی و اجرای سیاست‌های تازه‌ای رهنمون شده است؛ غیر قابل انکار می‌نماید.

۱. کلیاتی در باب تحریم

۱-۱. تعریف تحریم

تحریم، عبارت است از تدابیری قهرآمیز که توسط کشور یا گروهی از کشورها علیه کشوری که به قوانین بین‌المللی تجاوز نموده و یا از معیارهای اخلاقی مقبول، تخطی کرده باشد،

اعمال می‌شود. هدف تحریم کننده (یا تحریم کنندگان) آن است که کشور متخلف را مجبور کنند تا دست از اعمال خود بردارد و یا لاقلاً برای پایان دادن به رفتار غیرقابل قبولش پشت میز مذاکره بنشینند (آقابخشی، و افشاری‌راد، ۱۳۷۴: ۲۱۳). اما از طرف دیگر، بسیاری از تحریم‌ها جنبه‌ی منافع شخصی داشته و کشور‌های توسعه یافته خصوصاً ایالات متحده‌ی آمریکا، تحریم‌های فراوانی را نسبت به کشور‌هایی که در گروه دوستانش قرار نمی‌گیرند، لحاظ می‌کنند. از جمله‌ی این کشور‌ها، ایران اسلامی است که بعد از انقلاب مورد تحریم‌های شدید اقتصادی و سیاسی غرب و آمریکا قرار گرفته است.

۲-۱. انواع تحریم‌ها علیه ایران

از انواع گوناگون تحریم که علیه کشورها اعمال می‌شود می‌توان به موارد بسیاری اشاره کرد که در زیر به گوشه‌ای از آن پرداخته می‌شود. اما پیش از آن بیان این نکته ضروری است که مهمترین مرحله تحریم، ایجاد آثار روانی است که اراده دولت و ملت‌ها را تحت تأثیر قرار داده و گاهی سست می‌کند. سیر تحریم اقتصادی، دارای مسیری طولانی با مراحل و مراتب متعدد می‌باشد که گذر از هر مرحله موجب بروز مقاومت‌ها و مخالفت‌های فراوان سیاسی و اقتصادی در اعضای شورای امنیت و جامعه جهانی شده و هزینه سنگینی برای غرب در پی دارد و کشاندن جامعه جهانی به تحریم کامل و همه جانبه ایران، بسیار دشوار به نظر می‌رسد.

تحریم‌های سرمایه‌گذاری و صنعتی و اعمال محدودیت و سپس ممنوعیت در عقد قراردادهای صنعتی یکی از مراحل اعمال تحریم می‌باشد. این مرحله در واقع تعمیم مجازات‌ها - که هم اکنون توسط آمریکا و بنابر قانون داماتو درباره ایران به اجرا گذاشته می‌شود - به دیگر دولت‌هاست. اقدام مذکور بسیاری از قراردادهای جاری در صنایع کشور به‌ویژه صنعت نفت، پتروشیمی و نیرو را تحت الشعاع قرار خواهد داد و طبیعتاً بار سنگینی را به شرکت‌های خارجی فعال در ایران تحمیل خواهد کرد. به‌طور مثال شرکت‌های طرف مناقصات صنعت نفت مصر هستند در صورت اعمال شرایط تحریم از سوی کشور متبوعشان در ارتباط با ارسال کالا یا ارائه خدمات مربوطه، موضوع را به‌عنوان فورس ماژور تلقی کنند. طبیعتاً پذیرش و یا عدم پذیرش این امر خود تبعاتی را به دنبال خواهد داشت. همچنین این شرکت‌ها اعلام می‌نمایند که بانک‌های خارجی از صدور ضمانت نامه بانکی ارزی شرکت در مناقصه خودداری می‌نمایند و گاهی درخواست عدم تودیع تضمین مناقصه و در برخی موارد تقاضای صدور تضمین بانکی مناقصه، معادل ریالی آن را می‌نمایند. در قراردادهای مهندسی، تامین کالا و ساخت و اجرا

موسوم به «ئی پی سی» که پیمانکاران شرکت مسؤلیت تامین کالا را عهده دار می‌باشند شرایط مندرج در قرارداد را که از سوی پیمانکاران به آن‌ها اعلام می‌گردد، قابل قبول ندانسته و پیش‌پرداخت بیش از ۲۵ درصد و پرداخت بیشتر از ۹۰ درصد وجه کالا با نقطه نشانه‌های پیشرفت کار براساس خرید مواد خام، بازرسی کالا و درصد کمی در حدود ۱۰ درصد برای حمل و ورود کالا به سایت را مطالبه می‌نمایند (Wallensteen, 2000:15). بسیاری از سازندگان و فروشندگان خارجی در شرایط کنونی حاضر به شرکت در مناقصات برگزار شده نیستند و سازندگان و فروشندگانی که مایل به همکاری هستند شرایط و ریسک‌های شرایط تحریم را به خریدار منتقل می‌نمایند. در شرایط کنونی شرکت‌های واسطه و یا دلال وارد معاملات می‌شوند و آن‌ها و نیز با اعلام شرایطی همچون دریافت پیش‌پرداخت بیش از ۲۵ درصد بدون ارائه تضمین بانکی ریسک تصمیم‌گیری را افزایش می‌دهند.

محدودیت خرید نفت و محدودیت متقابل فروش فرآورده‌های نفتی و دیگر کالاهای مصرفی گامی در جهت اعمال محدودیت مبادلات اقتصادی می‌باشد. این بخش از تحریم، ابعاد بسیار گسترده‌تری یافته و با توجه به گردش سالانه حدود ۱۲۰ میلیارد دلاری ایران، اثر بزرگی بر بازار نفت و همچنین بازار صادرات کشورهای غربی خواهد گذاشت. اعمال این بخش از تحریم به سرعت می‌تواند شوک‌های شدیدی در بخش مصرف انرژی و تولید کشورهای صنعتی ایجاد کرده و به بحران‌های اجتماعی تبدیل شود. از این رو حتی کشورهای کاملاً همراه آمریکا نظیر ژاپن به دلیل وابستگی بخش عمده تأمین نفت خود به ایران، اجرای این بخش از تحریم‌ها را در کوتاه مدت ممکن نمی‌دانند.

اعمال مجازات‌های مالی نظیر بلوکه کردن حساب‌های مالی و مسدود کردن تضمین‌های ارزی بانک مرکزی یا به عبارتی فلج آوردن مبادلات مالی کشور در جهان شدیدترین حالت تحریم‌های اقتصادی محسوب می‌شود که به نوعی به توقف کلیه اقدامات بازرگانی دولت منجر می‌گردد. از نمونه‌های آن می‌توان به مشکلات ایجاد شده در صنعت نفت اشاره کرد که در مورد تامین ضمانت نامه شرکت در مناقصه و نیز حسن انجام کار و گشایش ال. سی (اعتبار اسنادی) توسط بانک‌های خارجی و عدم پذیرش بانک‌های داخلی توسط برخی از شرکت‌ها، حضور شرکت‌های ذیصلاح خارجی در مناقصات را با اشکال روبرو کرده است.

آخرین حد مجازات علیه اتباع کشور مورد تحریم، اعمال مجازات‌های مرزی و محدودیت تردد اتباع آن کشور می‌باشد. البته اعمال آن توسط کشورهای منطقه و جهان دشوار به نظر می‌رسد.

تأثیر تحریم‌های اعمال شده بر فروش نفت و نوسانات نرخ ارز در ایران.....

مورد آخر در تحریم، اعمال محدودیت و ممنوعیت هوایی، زمینی و دریایی در فضاهای بین‌المللی و آشوبی است که در نهایت می‌تواند به محدودیت پروازی بر فراز کشور مورد تحریم نیز منجر شود.

۳-۱. آثار تحریم گسترده اقتصادی

عمده ترین آثار تحریم گسترده اقتصادی در بخش مالی (پولی- بانکی) کشور عبارت بودند از: کاهش سرمایه‌گذاری خارجی، لطمه به سیستم بانکی به عنوان بازوی اقتصادی دولت، محدودیت نوع ارز وارداتی و عدم امکان گشایش اعتبار اسنادی به دلار و نوسانات شدید نرخ برابری ارزهای دیگر با ریال مانند یورو، عدم قبول اعتبارات اسنادی بانک‌های ایرانی، وضع تحریم‌های بین‌المللی برای برخی از بانک‌های داخلی، افزایش ریسک اعتباری و پوشش بیمه‌ای صادرات کالا به ایران، افزایش قیمت کالاهای سرمایه‌ی (ماشین‌آلات و تجهیزات) از سوی فروشندگان اروپایی، هزینه‌های بالای حمل و نقل جاده‌ایی، محدودیت‌ها و تحریم‌های اعمالی بر کشتیرانی ایران و ضعف‌های موجود در حمل و نقل ریلی، تعویق در پیوستن به سازمان تجارت جهانی، مخدوش شدن مباحث ملی و اعتبار تولید کنندگان داخلی و دادن باج به کشورهای واسطه مثل چین، روسیه، امارات، ترکیه، هند و..... برای تامین نیازهای صنعتی (فدائی و درخشان، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۱۸).

در بخش نفت و گاز ایران اقتصادی وابسته به نفت دارد و هر ساله سهم بزرگی از درآمد این کشور از صادرات نفت و گاز بدست می‌آید. مطالعات نشان می‌دهد طرح تحریم اقتصادی غرب علیه ایران که در مراحل اولیه صنعت نفت را هدف قرار داده بود بیشترین آسیب را به نبض اقتصادی ایران وارد کرده است و ادامه این روند می‌توانست آسیب‌های جبران ناپذیری ایجاد کند. زیرا صنعت نفت و گاز ایران نیازمند سرمایه‌گذاری‌های کلان خارجی و حضور شرکت‌هایی است که به تکنولوژی‌های روز دنیا دسترسی داشته باشند. با اجرای طرح تحریم اقتصادی و خروج شرکت‌های غربی از ایران هم استفاده ایران از فن‌آوری‌های روز دنیا منتفی شد و هم ایران نتوانست به توسعه حوزه‌های نفت و گاز جدید بپردازد که در سال‌های آینده جایگزین حوزه‌های فرسوده امروزی شود. در اثر تحریم‌های اقتصادی شرکت‌های آمریکایی از کار در ایران محروم شدند و شرکت‌های بزرگ اروپایی از قبیل شرکت بریتیش پترولیوم، رویال داچ شل و توتال هم که در این دوران در صحنه اقتصادی ایران باقی مانده بودند در شرایط اقتصادی و سیاسی حاکم بر جهان ادامه همکاری با ایران را بسیار پر ریسک خواندند.

گسترش احتکار و قاچاق کالاهای کشاورزی غیر بهداشتی از دیگر تبعات تحریم بود. افزایش تولید محصولات کشاورزی برای جبران کمبودهای ناشی از قطع واردات بدون توجه به روابط حاکم بر تولید، توزیع و مصرف، نارسا است. در کشور ما، مراحل تولید، توزیع و مصرف جدا از هم مطرح بوده و تولید بدون توجه کافی به نظام توزیع و مصرف در نظر گرفته می‌شود، در حالی که این سه مرحله، چرخه کاملاً متحدی تشکیل می‌دهند و نارسایی در یکی از این مراحل موجب بحران در دیگری می‌شود. نظام اقتصادی ایران نابسامان، آشفته، بدون نقشه و فاقد شبکه‌ای از روابط بین بخش‌های معدن، صنعت، کشاورزی و امور مالی است. در صورتی که کشورهای پیشرفته دارای شبکه پیچیده‌ای از روابط بین این بخش‌ها هستند که اقتصاددانان، آن را می‌شناسند و واردات، صادرات و تولید محصولات متکی به مصالح و امکانات آن شبکه داخلی صورت می‌گیرد. حوزه کشاورزی در ایران به دلیل عدم وجود این شبکه در برابر تحریم آسیب‌پذیر شد. ضمن آنکه برنامه‌های سوم تا پنجم توسعه نیز بر این اساس، بر تحلیل‌های دقیقی از اقتصاد تکیه ندارد و آنچه که منعکس می‌شود، کمتر مطابق با داده‌های جامعه است و به همین خاطر، برنامه‌ها تاکنون راه به جایی نبرده است. تولیدات محصولات کشاورزی به دلیل وابستگی کم به درآمد ارزی و تکنولوژی خارجی، لطمه زیادی ندیدند. اما وضعیت زراعت و دام و طیور از نظر ماشین‌آلات، بذر، نهال سموم دفع آفات و مکمل‌های غذایی مطلوب نبود. اکثر نیازهای این بخش‌ها در داخل توسط بخش خصوصی و دولتی تولید می‌شود. در صورت تداوم تحریم روند صادرات اقلام غیرنفتی و حتی صنایع تکمیلی و تبدیلی و صنایع وابسته به کشاورزی مانند فرش دچار اختلال خواهد شد.

قاچاق و شبه قاچاق در شرایط تحریم به‌عنوان میکروبهایی که در محیط آلوده امکان رشد یافت، سایر مفساد و جرائم اقتصادی نیز به شدت رشد نمودند. فرار مالیاتی، احتکار، خروج ارز و... دیگر نمودهای فساد اقتصادی زمان تحریم بشمار می‌آیند. صنایع خودکفا کاهش سرمایه گذاری خارجی ضریب آسیب‌پذیری کمتری دارند، برای مثال بخش کشاورزی و صنایع غذایی کمترین آسیب‌ها را از تحریم‌های اقتصادی دیدند به‌خصوص اینکه معمولاً مواد غذایی و دارو در سخت‌ترین شرایط هم مشمول تحریم نمی‌شوند (فریادرس، ۱۳۹۴).

در چشم انداز کلی تحریم شامل هر عمل منفی یا پاسخ به عمل یا کنش در چارچوب اهداف تحریم است. «هنری بنین» و «رابرت گیلپین» تحریم را دستکاری روابط اقتصادی به منظور دستیابی به اهداف سیاسی توصیف می‌کنند که «به منظور ناگزیر کردن جامعه به تغییر

سیاست یا حکومت خود، آن را تهدید به تنبیه اقتصادی می‌کند» (زهرانی، ۱۳۷۶: ۶۷). «مایکل مالوی» اعتقاد دارد که تحریم سلسله اقدامات بدون استفاده از گواهی تهدید علیه کشور هدف یا فرد مورد نظر است (Malloy, 1990:7). همچنین از نظر «بری ای کارتر» تحریم عبارت است از اقدامات اجباری علیه یک یا چند کشور برای ایجاد تغییر در سیاست‌ها یا دست کم نمایش ایده‌های یک کشور در قبال سیاست دیگر کشورها است (Carter, 1998:11).

همچنین تحریم را نیز می‌توان عمل تنبیهی به وسیله کشوری علیه کشور دیگر، برای تلافی رفتار قبلی غیر قابل پذیرش تعریف کرد (ولی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۵۰). «مارگارت داکسی» از نویسندگان مطرح در موضوع تحریم اقتصادی، تحریم‌های بین‌المللی را این‌گونه تعریف می‌کند: تنبیهاتی که در قالب تبعات اعلام شده ناکامی هدف در تبعیت از استانداردهای یا الزامات بین‌المللی، تهدید به اجرا یا واقعاً اعمال شده‌اند (Doxey, 1990: 9). کارتر تعریفی دیگر از تحریم‌های بین‌المللی دارد و آن اینکه اقدامات اقتصادی زورمندانه که علیه یک یا چند کشور اعمال می‌شوند و هدف آن تلاش برای اجبار به تغییر سیاست یا حداقل اثبات نظر کشور تحریم کننده درباره سیاست‌های کشور دیگر است (Carter, 1989:13). «رابرت پی او کوئین» در کتاب خود راهنمای تحریم‌های اقتصادی این مساله را مطرح می‌کند که آیا تحریم‌ها واقعا راهی مناسب برای تامین اهداف سیاست خارجی هستند» و برای اطمینان از پیشبرد منافع از طریق این تحریم‌ها، چه راهبردهایی باید در کنترل آن‌ها به کار گرفته شود. وی می‌افزاید تحریم‌ها تسلیحاتی مهم در زرادخانه سیاست هستند. البته این تسلیحات نیز مانند تمامی دیگر تسلیحات راهبردی باید با حداکثر احتیاط به کار گرفته شوند (Quinn, 1997:28).

«هافبائر و اسکات» با محدود کردن تعریف به ابعاد عملیاتی، معتقدند تحریم اقتصادی عبارت از حذف آگاهانه و با خواست دولتی و یا تهدید به حذف روابط تجاری و مالی معمول است (Hufbauer, Schott, Kimberly, 1990:32). مزیت چنین تعریفی آن است که خود را به حقایق مشهود و نه تفسیر انگیزه‌ها محدود می‌کند. این تعرف از ماده ۴۱ منشور سازمان ملل استفاده می‌کند که مبنای حقوقی تحریم‌های اقتصادی سازمان ملل است. در ماده ۴۱ هیچ اشاره‌ای به تحریم اقتصادی نشده است بلکه تنها فهرستی غیرجامع از ابعاد اجرایی این اقدامات ارائه می‌کند که شامل تفسیر کامل یا جزئی روابط اقتصادی و راه آهن، دریا، هوا، پست، تلگراف، رادیو و دیگر ابزارهای ارتباطی و تهدید روابط دیپلماتیک است (Davidsson, 1996:3). تحریم اقتصادی، نوعی فشار و اجبار است که با کارشکنی در روابط اقتصادی و اساسا

به منظور تأمین اهداف سیاسی شکل می‌گیرد. اساساً تحریم‌های اقتصادی انگیزه و دلایل گوناگونی دارند. اما مشترک در تمام این دلایل تنبیه است. در واقع از تحریم به منظور تنبیه کشور مورد نظر استفاده می‌شود که باید در اینجا بررسی گردد تنبیه برای چه منظور صورت می‌گیرد. گاهی تنبیه به دنبال هدف خاصی صورت نمی‌گیرد و قرار نیست از این تنبیه به‌عنوان وسیله‌ای برای دسترسی به مقصودی خاص استفاده شود. به بیان دیگر این گونه تنبیه در مقابل تنبیه کاربرد دارد. به‌طور مثال آمریکا به‌دلیل ضرری که در اثر انقلاب اسلامی متحمل شد، دست به تحریم ایران زد.

در حالت دوم تنبیه با هدف تغییر رفتار رژیم صورت می‌گیرد. یعنی تحریم‌کننده در تلاش است تا نوعی تغییر در رفتار طرف مقابل ایجاد کند. بنابراین بیشتر تحریم‌های اعمال شده آمریکا علیه ایران به‌منظور تغییر در رفتار و شرایط موجود است. اما دلیل دیگر در این تحریم‌ها اعمال فشار در جهت تغییر حکومت می‌باشد. این مورد بسیار هدفمند محسوب شده و در نتیجه زمان بر است. هرچه بر میزان اهداف و انگیزه‌ها در تحریم‌ها افزوده شود، احتمال موفقیت و پیروزی آن کاهش می‌یابد اما در تمام این موارد زمانی تحریم به‌عنوان راهکار استفاده می‌شود که آلترناتیو و یا جایگزین دیگری موجود نباشد. بنابراین فقدان جایگزین از اصلی‌ترین دلایل اعمال تحریم علیه کشورهاست. در کنار تمام این‌ها باید رابطه تحریم و جنگ را در نظر گرفت. در بسیاری از مواقع تحریم به‌عنوان جایگزینی برای جنگ محسوب می‌گردد و اهرمی در جهت منع و جایگزینی جنگ به حساب می‌آید. با توجه به توضیحات پیشین می‌توان چنین استنباط کرد که یکی از دلایل موافقت اروپایی‌ها با مطرح شدن پرونده هسته‌ای ایران در شورای امنیت، ترس آنان از وقوع جنگ در این منطقه می‌باشد. در واقع آنان با موافقت خود مانع بروز جنگ و یا تعویق آن شده‌اند زیرا در صورت وقوع جنگ، منافع خود را در خطر می‌بینند. اغلب نظریه پردازان معتقدند با وجودی که تحریم جایگزین جنگ محسوب می‌شود اما در مواردی نیز خود منجر به جنگ می‌شود، عاقبت تحریم‌های آمریکا علیه ژاپن و عراق که به جنگ ختم شد، از این دسته است (ولی‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۵۲).

۲. عواقب تحریم ایالات متحده و غرب علیه جمهوری اسلامی ایران

یک بررسی از تحریم‌های انجام گرفته آمریکا و متحدانش علیه جمهوری اسلامی ایران در دهه‌های گذشته نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی آمریکا سبب بروز تنگناهایی در خرید و

_____ تاثیر تحریم‌های اعمال شده بر فروش نفت و نوسانات نرخ ارز در ایران.....

واردات کالا از خارج برای جمهوری اسلامی ایران گردیده است که آشفتگی سیستم توزیع، احتکار و گران فروشی، پیدایش بازار سیاه برای بسیاری از کالاها و تشکیل کمیته صنفی و دادگاه انقلابی ویژه، محرکی برای آن تنگناها بوده است. مزید بر آن، تحریم‌های آمریکا، ایران را مجبور به پرداخت هزینه‌های بیشتر برای کالاهای وارداتی می‌نمود. در این راستا یکی از آثار تحریم‌های اقتصادی ایالات متحده و متحدانش علیه ایران در دهه‌های گذشته، کاهش ارزش ریال بوده است. کاهش ارزش ریال نیز به دنبال خود باعث کاهش واردات و تحدید دسترسی ایران به سرمایه و تکنولوژی خارجی شده بود. به عبارت دیگر تحریم‌های ایالات متحده و متحدانش در دهه‌های پیشین، جو سرمایه‌گذاری در ایران را تغییر داد، تا از پس آن انتقال تکنولوژی به ایران صورت نگیرد. در همان دهه‌ها، تحریم‌های آمریکا همچنین ایران را مجبور کرد تا قسمتی از طرح‌های توسعه ساختاری اقتصادی پس از جنگ را، متوقف کند (سختی، ۱۳۹۳: ۱۹۰)

در دوران اخیر و با وجود گرایش ایالات متحده و متحدانش در استفاده از گزینه تحریم علیه جمهوری اسلامی ایران، چند وجه از آثار این تحریم را می‌توان مورد ارزیابی قرار داد. اولین وجه آثار این تحریم در دوره‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت نمود پیدا می‌کند. در این راستا، آثار این تحریم در کوتاه مدت در پاره‌ای از موارد موجب فشار بر سیستم مالی جمهوری اسلامی ایران شده است و هزینه‌های معاملاتی و نهایتاً قیمت‌ها را افزایش داده است (سعدوکیل و تحصیلی، ۱۳۹۳: ۹-۶). در باب اثرات میان مدت، آثار این تحریم موجب کاهش سرمایه‌گذاری، کندی رشد و افزایش تورم گردیده است. در این راستا جمهوری اسلامی در پاره‌ای از موارد شاهد کاهش حجم واردات و صادرات و ذخایر ارزی بوده است. در باب اثرات بلند مدت به نظر می‌رسد وجود تحریم‌های اقتصادی موجب کاهش سرمایه‌گذاری به‌عنوان مهمترین عامل رشد و توسعه اقتصادی و صنعتی گردد که مآلاً دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز را سخت‌تر می‌نماید. دومین وجه از آثار مربوط به تحریم، ناشی از تردیدی است که می‌توان نسبت به آثار این تحریم، نشان داد. چرا که اعمال این تحریم‌ها نه تنها باعث تغییر رفتار جمهوری اسلامی ایران به نحوی که مورد انتظار آمریکا و متحدانش بوده، نشده است بلکه در برخی موارد سالم‌تر و باثبات‌تر از بسیاری از کشورهای در حال توسعه‌ای بوده است که آمریکا به آن‌ها کمک می‌کند. علت را باید در اتخاذ رهیافت واگرایانه همکاری‌های گروهی نظام جامعه جهانی دانست. اساساً بدون همکاری کامل همه شرکای تجاری بالقوه، ایراد صدمه بر صادرات یا

واردات یک کشور از طریق تحریم به سختی قابل تحقق می‌باشد. بنابراین بدون یک پشتیبانی نیرومند بویژه از طرف برخی از شرکای تجاری اروپایی و آسیای خاوری، تحریم‌های آمریکا و متحدانش تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر منافع اقتصادی دراز مدت ایران نخواهند داشت. از لحاظ ساختاری تحریم‌های اقتصادی تنها در صورتی به نتیجه رسیده‌اند که به صورت جهانی، جامع و مداوم بکار رفته‌اند و از مشروعیت و اعتبار لازم برخوردار بوده‌اند. در این راستا، تحریم‌های اقتصادی گرچه معمولاً خساراتی را بر کشور تحریم شده تحمیل می‌کنند، اغلب برای کشورهای تحریم‌کننده نیز دارای هزینه‌های سنگین می‌باشند. برای مثال تحریم‌های آمریکا در درجه اول شرکت‌های نفتی این کشور را تحت تاثیر قرار داده است. شرکت‌های مزبور در سال‌های اخیر، نزدیک به ۳/۵ میلیارد دلار نفت خام از ایران خریداری کرده‌اند. برآوردها نشان می‌دهد که تحریم‌های آمریکا بر ایران و لیبی و سوریه سالانه ۷ میلیارد دلار خسارت جانبی بر آمریکا وارد می‌کنند و باعث از بین رفتن ۲۰۰/۰۰۰ شغل در این کشور می‌گردند. مطالعه انجام شده بوسیله ی مؤسسه ی اقتصاد بین المللی، حاکی از این است که هزینه تحریم‌های وارده بر شرکت‌های آمریکایی در سال ۱۹۹۵ به تنهایی در حدود ۱۵ تا ۱۹ میلیارد دلار بوده است (ذاکریان، ۱۳۸۲: ۲۰).

۳. مفهوم ارز و نرخ ارز

ارز در مفهوم مضیق آن پول رایج کشور خارجی و در مفهوم موسع آن شامل کلیه وسائل پولی پرداخت‌های خارجی می‌باشد. به همین ترتیب نرخ ارز قیمت یک واحد پول خارجی، حق برداشت مخصوص^۱ و یا طلا در مبادله با پول رایج یک کشور می‌باشد. البته آنچه شایع است و به طور معمول از آن استفاده می‌شود تنها پول خارجی و ارزش ریالی آن است و مردم در این رابطه از طلا و حق برداشت مخصوص به عنوان ارز و از قیمت آن‌ها به عنوان نرخ ارز استفاده نمی‌کنند. در فرهنگ معین، ارز به ارزش، بهاء، قیمت و نرخ یا برابری پول داخلی با پول‌های بیگانه (خارجی) تعریف شده است. در مکالمات بازرگانی و اقتصادی امروز، ارز به معنی پول رایج خارجی استفاده شده است و طبق تعریف مالیه از ارز خارجی، ارز در مفهوم وسیع و بسط یافته، شامل کلیه وسایل پولی پرداخت‌های خارجی می‌باشد. از طرفی نرخ ارز، قیمت یک

1. SDR: Special Drawing Right

تأثیر تحریم‌های اعمال شده بر فروش نفت و نوسانات نرخ ارز در ایران.....

واحد پول خارجی، حق برداشت مخصوص و یا طلا در مبادله با پول رایج یک کشور است (مجله بانک و اقتصاد، ۱۳۸۱: ۴۷).

۳-۱. چگونگی تعیین نرخ ارز

در علم اقتصاد قیمت یک پول واحد خارجی (یا نرخ ارز) نیز همچون قیمت سایر کالاها و خدمات، تابع عرضه و تقاضای آن است. با ثابت فرض کردن سایر شرایط، هرچه تقاضا برای ارز افزایش یابد باعث افزایش قیمت آن شده و بالعکس هرچه عرضه آن افزایش یابد به کاهش ارزش آن منتهی خواهد شد (برث، ۱۳۸۱: ۴۶-۴۵). شیب منحنی تقاضا برای ارز تقاضا از بالا به پایین (منفی) است زیرا هدف از تقاضا برای ارز، عموماً خرید کالا و خدمات از خارج از کشور است. هرچه ارزش ارز مورد نظر (مثلاً دلار) بالاتر باشد برای خرید یک واحد از کالا و خدمات وارداتی مورد نظر ریال بیشتری پرداخت شود، یعنی کالای خریداری شده گران تر خواهد بود. در نتیجه این گرانی، میزان تقاضا کمتر شده و ارز کمتری تقاضا خواهد شد. مثلاً، اگر ارزش هر دلار برابر با هزار دویست ریال باشد میزان تقاضا برای آن در بازار آزاد دو میلیارد دلار در سال خواهد بود حال آنکه در نرخ هفتصد ریال سالانه رقمی معادل چهار میلیارد و در نرخ سیصد ریال رقمی معادل ده میلیارد دلار تقاضا برای ارز وجود خواهد داشت. یکی از مهمترین اهداف و سیاست‌های اقتصادی کشورها رشد و توسعه اقتصادی و کسب حداکثر وجوه ارزی ناشی از صادرات کالا و خدمات است. نرخ ارز و نوسانات آن و در حقیقت انتخاب صحیح و بهینه نظام‌های ارزی تأثیر مهمی در سرمایه‌گذاری‌ها در کشور و صادرات و واردات خواهد داشت و بنابراین دارای اهمیت بسیار بالایی برای مسؤولین اقتصادی کشور است.

۳-۲. اهمیت نرخ ارز و نوسانات آن

اینکه دلار هفتاد ریال باشد یا هزار و دویست ریال چه اهمیتی دارد؟ دست اندرکاران مباحث اقتصادی به خوبی می‌دانند که آنچه حائز اهمیت است نه قیمت‌های مطلق بلکه قیمت‌های نسبی است. اگر در یک اقتصاد بسته تمامی قیمت‌ها و درآمدها یکباره دو برابر شوند، تولید و مصرف واقعی تغییر محسوسی نخواهد کرد. لکن، وقوع همین امر در یک اقتصاد باز- بسته به اینکه نرخ ارز چه تغییری پیدا کرده باشد، می‌تواند دارای بازتاب‌های گوناگونی باشد. در حالت نخست اگر نرخ ارز در سطح پیش از دو برابر شدن قیمت‌ها ثابت نگاه داشته شود، اکثر کالاهای صادراتی غیرنفتی کشور قابلیت رقابت در بازارهای جهانی را از دست خواهند داد، زیرا خریداران خارجی اکنون می‌باید برای خرید کالاهای دیروز دو برابر ارز بپردازند. طبیعی است که این کار باعث

خواهد گردید تا کالاهای مشابه، جایگزین کالاهای صادراتی ما در بازارهای جهانی بشوند. از سوی دیگر، مصرف‌کننده داخلی هم دلیل خوبی برای تغییر الگوی مصرف خود می‌یابد زیرا در این حالت کالاهای داخلی به مراتب گران‌تر از کالاهای وارداتی شده‌اند. طبیعی است که در این شرایط اگر موانعی از قبیل تعرفه‌های گمرکی، سود بازرگانی یا محدودیت‌های وارداتی اعمال نشوند، میزان واردات افزایش یافته و کالاهای وارداتی، تولیدات داخلی را از میدان به در خواهند کرد. در نتیجه، هم تولید و درآمد داخلی کاهش خواهد یافت و هم موازنه تجاری کشور با کسری قابل ملاحظه‌ای روبرو خواهد شد. واضح است که هر اندازه نقش تجارت خارجی در اقتصاد کشور بیشتر باشد، این امر بازتاب گسترده‌تری خواهد یافت. در حالت دوم، اگر نرخ برابری ارز نیز دو برابر می‌گردید، یعنی اگر با دو برابر کردن ارزش پول‌های خارجی به افزایش قیمت‌های داخلی عکس‌العمل نشان داده می‌شد نه تنها قابلیت رقابت کالاهای صادراتی کشور تغییر چندانی نمی‌نمود بلکه مصرف‌کنندگان داخلی نیز برای جایگزین کردن تولیدات داخلی با کالاهای وارداتی دلیل زیادی نمی‌یافتند. در کوتاه مدت تولید و درآمد داخلی تغییر محسوسی نمی‌کرد و موازنه تجاری نیز با تغییر زیادی روبرو نمی‌شد. علت اصلی اهمیت نرخ ارز آن است که برخلاف سایر قیمت‌ها نه یک قیمت مطلق بلکه یک قیمت نسبی است. به زبان ساده‌تر، نرخ ارز قیمت نسبی پول خارجی با پول داخلی است. که افزایش (کاهش آن) از یک سو باعث ارزان‌تر (گران‌تر) شدن کالاهای داخلی برای خریداران خارجی گشته و از سوی دیگر کالاهای وارداتی را برای مصرف‌کنندگان داخلی گران‌تر (ارزان‌تر) خواهد نمود. طبیعی است که تخصیص منابع نیز در همین جهت شکل خواهد گرفت و الگوی مصرف کالاهای داخلی و وارداتی در آن نیز از همین امر متأثر خواهند شد (احسانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۳۱-۲۹).

اکنون که تاثیر و اهمیت نرخ ارز در اقتصاد تا حدودی روشن شد، بی‌مناسبت نیست که در مورد اهمیت نوسانات نرخ ارز نیز به توضیح مختصری بپردازیم. گذشته از تاثیر سطح نرخ ارز بر شرایط اقتصادی کشور، نوسانات روزانه آن نیز تبعات خاص خود را داراست. در واقع، یکی از دلایل اصلی طرفداران سیستم نرخ ثابت ارز در مقابل سیستم نرخ شناور ارز آن است که این سیستم با کاهش دامنه نوسانات نرخ ارز، محیط مساعدتری را جهت تولید، تجارت و سرمایه بین‌المللی فراهم می‌سازد. اگر نرخ ارز نوسانات شدیدی را ظاهر سازد، صادرکنندگان و واردکنندگان در هنگام عقد قرارداد، در مورد درآمد حاصل از صادرات یا هزینه واردات به پول محلی تصور چندانی دقیق ندارند. البته ارزش ارزی کالای صادراتی و وارداتی در هنگام عقد

قرارداد معلوم است، ولی از آنجا که تا هنگام دریافت درآمد صادراتی و یا تا هنگام فروش کالای وارداتی مدت زمانی سپری می‌گردد، نوسانات نرخ ارز قادر است تا ارزش کالای صادراتی و هزینه کالای وارداتی را (به پول ملی) شدیداً تحت تأثیر قرار دهد و این درآمدها و هزینه‌ها به راحتی می‌توانند با زمان انجام معامله تفاوت فاحش و غیرمنتظره‌ای داشته باشند. چنین وضعیتی می‌تواند - بسته به میزان خطرگریزی دست‌اندرکاران تجارت خارجی کشور و وضعیت بازار داخلی - به یکی از حالات زیر منجر گردد: اول، آنکه برخی از واردکنندگان و صادرکنندگان به‌طور کلی دست از انجام چنین معاملاتی بخواهند داشت زیرا تاب تحمل این خطر را ندارند که درآمدها و یا قیمت‌های ریالی آن‌ها یکباره تغییر نماید. این امر باعث کاهش حجم مبادلات خارجی خواهد گردید و بسیاری از کالاهایی که دارای مزیت نسبی هستند به بازارهای جهانی راه نخواهند یافت. آنان که با تئوری اقتصادی آشنایی دارند درک می‌کنند که این امر تخصیص منابع را مختل خواهد ساخت. دوم، آن دسته از صادرکنندگان و واردکنندگانی که فعالیت خود را متوقف نمی‌سازند برای خطرپذیری خود سود بیشتری طلب خواهند کرد و اگر این سود به آنان اعطا نشود، سرمایه‌ها و منابع خود را متوجه فعالیتی خواهند کرد که با اعطای سود قبلی، خطر کمتری را متوجه آنان سازد. از آنجا که عرضه و تقاضای یک کشور کوچک تنها جزء اندکی از عرضه و تقاضای جهانی را تشکیل می‌دهد و کشور مزبور قدرت تعیین قیمت‌های جهانی را ندارد، از این رو دست‌اندرکاران تجارت خارجی این افزایش سود را با خرید ارزان‌تر از تولیدکنندگان و فروش گران‌تر به خریداران داخلی تامین خواهند کرد. خرید ارزان‌تر از تولیدکننده باعث کاهش انگیزه تولید او خواهد شد و تولید کالاهای صادراتی کاهش خواهد یافت. از سوی دیگر، فروش به قیمت بالاتر به مصرف‌کننده داخلی به افزایش قیمت و تورم داخلی دامن خواهد زد. بنابراین، هرچه دست‌اندرکاران تجارت خارجی کشور خطرگریزتر باشند و سهم تجارت خارجی در تولید ناخالص ملی بیشتر باشد، نوسانات نرخ ارز تأثیر بیشتری در جهت کاهش تولید داخلی، افزایش قیمت‌ها و تهدید تجارت خارجی باقی خواهد گذاشت. سودها و زیان‌های پیش‌بینی نشده بسیاری وجود خواهد داشت، لکن احساس ثبات و ایمنی که لازمه برنامه ریزی و فعالیت‌های اقتصادی می‌باشد - تا حدود زیادی تضعیف خواهد گشت (زمان‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۸-۴۱).

۳-۳. کارکردهای بانک مرکزی

بانک‌های مرکزی به‌طور کلی چهار یا پنج کارکرد دارند که در اینجا مورد اشاره قرار می‌گیرند. برخی بانک‌های مرکزی همانند بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، هر پنج کارکرد را دارند و برخی دیگر فقط چهار کارکرد اول را دارا هستند. اولین کارکرد بانک مرکزی اعمال سیاست‌های پولی است. در واقع اولین کارکرد بانک مرکزی این است که به انتشار پول ملی اقدام می‌کند و ارزش پول ملی را حفظ می‌کند. ارزش پول از طریق ایجاد پایه پولی صورت می‌گیرد. پایه پولی به این معناست که از طریق فروش نفت یا طرق دیگر ارز به دست می‌آید و این ارز را به ریال تبدیل می‌شود. در واقع بانک مرکزی این ارز را پشتوانه ریال می‌کند که می‌تواند ریال لازم منتشر کند در حالی که اگر این رابطه قطع شود ریال بدون پشتوانه می‌ماند و تورم سه و حتی چهار رقمی می‌شود. دومین کارکرد بانک مرکزی تنظیم سیاست ارزی است. تنظیم سیاست ارزی عمدتاً از طریق اقدامی که آن را عملیات بازار آزاد می‌نامند انجام می‌شود. این کارکرد دقیقاً کاری است که در حال حاضر بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران در هفته‌های اخیر در حال انجام بوده است. یعنی در بازار آزاد ارز دخالت می‌کند و ارز می‌فروشد تا قیمت آن را متعادل نگه دارد. در ارتباط با این دو کارکرد همه بانک‌های مرکزی دنیا جمع شده‌اند صندوقی درست کرده‌اند به نام صندوق بین‌المللی پول که در واقع مرکز بانک‌های مرکزی دنیا است. مهم‌ترین کارکرد این صندوق این است که هر بانک مرکزی در جهان هم ارز و هم پول ملی خود را در اختیار آن قرار می‌دهد و از همین رو در دخالت‌هایی که صندوق بین‌المللی پول در بازار بین‌المللی می‌کند از این طریق، البته به سهم خود، شرکت می‌کند. برخی بانک‌های مرکزی دیگر کشورها سهم بیشتری دارند و برخی کمتر. بنابراین همه بانک‌های مرکزی سهامدار این صندوق هستند. سومین کارکرد بانک مرکزی مدیریت ذخایر است. یعنی بانک مرکزی به نگهداری کلیه ذخایر ارزی و طلای کشور می‌پردازد و این ذخایر را مدیریت می‌کند. چهارمین کارکرد بانک مرکزی به فعالیت‌های تجاری مربوط است. یعنی برای واردات کالاهای اساسی و حساس به گشایش اعتبار اسنادی یا ال.سی اقدام می‌کند. پنجمین کارکرد بانک مرکزی که در کشور ما اختصاصی است و در بسیاری از کشورها این کارکرد وجود ندارد به اختصاص درآمد نفتی مربوط می‌شود که قبلاً به‌طور مستقیم و الان به‌طور غیرمستقیم انجام می‌شود (عادلی، ۱۳۹۰).

۳-۴. اهداف و آثار تحریم بانک مرکزی

اولین اثر تحریم‌ها مسدود کردن دارایی بانک مرکزی بوده است. کما اینکه اطلاع داریم که اولین جایی که بانک مرکزی ما را تحریم کرده انگلیس است و دارایی‌های بانک مرکزی را مسدود کرده است. این مساله به شمول سپرده‌های بانک مرکزی در نزد بانک‌های خارجی نیز هست. بنابراین دارایی‌های ما در انواع و اقسام حساب‌ها در بانک‌های ایرانی و یا نزد بانک‌های دیگر مسدود می‌شود. چرا که در هر موسسه مالی باشد چون در نهایت به بانک مرکزی مربوط است مشمول تحریم‌ها قرار می‌گیرد. اثر دیگر تحریم بانک مرکزی احتمال اختلال در سیاست‌های پولی ما است. درست است که می‌توانیم بدون پشتوانه و بدون اینکه ارز مربوطه را داشته باشیم به انتشار پول اقدام کنیم اما ریسک چنین کاری بسیار بالاست. یعنی چاپ اسکناس بدون پشتوانه کافی می‌تواند فجایی در اقتصاد به بار بیاورد. احتمال اختلال در سیاست ارزی نتیجه دیگر تحریم بانک مرکزی می‌تواند باشد. چرا که در این شرایط بانک مرکزی دلار یا ارز کافی برای اینکه در بازار دخالت کند تا ارزش پول ملی را حفظ کند در اختیار ندارد. آخرین نتیجه تحریم بانک مرکزی که به لحاظ اهمیت در مرتبه اول قرار دارد بلوکه شدن درآمد نفت ایران است. بزرگترین بخش درآمد یک کشور صادرکننده نفت ناشی از نفت است که با تحریم بانک مرکزی در واقع درآمد نفت به نوعی مسدود می‌شود (وصالی و ترابی، ۱۳۸۹: ۴۰-۳۹). جالب است که آن‌ها بیش از آنکه به تحریم نفت بپردازند به تحریم بانک مرکزی همت گماردند. چرا که تحریم بانک مرکزی برخلاف تحریم نفت می‌تواند ضرر کمتری به بازار نفت وارد بیاورد، در حالی که صادرکننده نفت را دچار مشکل می‌کند. بنابراین با فشارهای بانکی و مالی و تحریم بانک مرکزی معاملات نفتی را به سوی مبادله تهاتری نفت سوق می‌دهند. این موجب می‌شود که نفت ایران به‌طور کامل از بازار نفت حذف نشود و بنابراین شوکی به بازار نفت وارد نشود و در نتیجه قیمت نفت بالا نرود و یا کمتر دچار شوک شود. در حالی که فروشنده نفت با مشکل می‌تواند از پول نفت خود استفاده کند (عادلی، ۱۳۹۰).

۴. درآمدهای نفتی در دوره ریاست جمهوری خاتمی و احمدی نژاد

۴-۱. دوران سید محمد خاتمی

کل در آمد نفتی دوران سید محمد خاتمی در سال ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ برابر ۲۰۶/۲۷ میلیارد دلار است که نسبت به دولت قبل از افزایش ۶۷ درصدی خبر می‌دهد. همچنین میانگین قیمت هر بشکه نفت ایران در این دوره برابر با ۲۲/۷۶ دلار بوده است. طی این دوره به‌طور میانگین

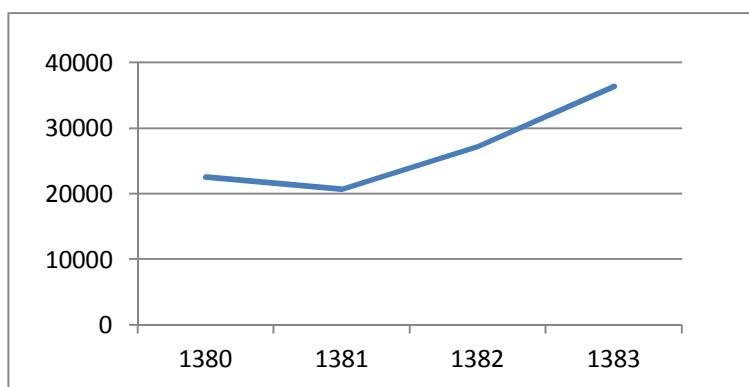
روزانه ۲۲۸۰ هزار بشکه نفت صادر کرده است. بیشترین میزان صادرات نفت ایران در دوران خاتمی مربوط به سال ۱۳۸۳ برابر با ۲۵۴۸ هزار بشکه در روز و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۸۱ برابر با ۲۰۲۱ هزار بشکه در روز است (انواری، ۱۳۹۲). قیمت هر بشکه نفت ایران طی سال‌های ۱۳۷۶ تا ۱۳۸۴ به ترتیب برابر با ۲۴/۱۸، ۱۱/۹۷، ۱۷/۲۵، ۲۲/۹، ۲۳/۵۲، ۲۶/۸۹ و ۳۴/۶ دلار برای هر بشکه بوده است. همچنین میانگین صادرات روزانه نفت ایران طی همین مدت به ترتیب عبارت است از: ۲۳۴۲، ۲۳۰۰، ۲۰۷۹، ۲۳۴۵، ۲۲۰۸، ۲۰۲۱، ۲۳۹۶، ۲۵۴۸ هزار بشکه در روز (آجیلی، سید عسگری، ۱۳۹۳: ۱۰۷-۱۰۳).

جدول (۱): تولید روزانه نفت در دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی

سال شمسی	تولید نفت (هزار بشکه در روز)
۱۳۸۰	۲۲۰۸
۱۳۸۱	۲۰۲۱
۱۳۸۲	۲۳۹۶
۱۳۸۳	۲۵۴۸

جدول (۲): درآمد حاصل از فروش نفت در دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی

سال شمسی	درآمد حاصل از فروش نفت (میلیون)
۱۳۸۰	۲۲۵۸۲
۱۳۸۱	۲۰۶۹۱
۱۳۸۲	۲۷۱۹۰
۱۳۸۳	۳۶۳۵۵



نمودار (۱): میزان صادرات نفت ایران در دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی

۴-۲. دوران محمود احمدی نژاد

دوران محمود احمدی نژاد در مورد درآمدهای نفتی دوران خاص می‌باشد. این خاص نه از جهت سیاسی، اجتماعی، بین‌المللی که البته در همه این‌ها هم این دولت خاص بوده. همین اول مشخص کنیم که بانک مرکزی در دولت محمود احمدی نژاد از سال ۱۳۸۷ به بعد یعنی سال پایانی دولت اولش دیگر آمار دقیقی در مورد صادرات نفت ارائه نداد. این آمارها و اعداد هم از اوپک استخراج شدند. در سال ۱۳۸۴ درآمدهای نفتی سال اول احمدی نژاد برابر با ۵۳/۸۳ میلیارد دلار بود اما از سال ۱۳۸۵ شانس از هر طرف به دولت نهم هجوم آورد. درآمد نفتی ایران ناگهان به ۶۲/۰۱ میلیارد دلار رسید. در سال ۱۳۸۶ درآمد نفت ایران برابر با ۸۱/۶ میلیارد دلار و در سال ۱۳۸۷ این درآمد برابر ۸۱/۹ میلیارد دلار ثبت شد (انواری، ۱۳۹۲).

در سال ۱۳۸۸ کاهش درآمدهای نفتی دیده می‌شود طوری که طی این سال درآمد دولت برابر ۶۲ میلیارد دلار بود اما در سال ۱۳۸۹ درآمدهای نفتی بار دیگر با رشد به ۷۴ میلیارد دلار رسید تا به سال ۱۳۹۰ رسیدیم. این سال در تاریخ صنعت نفت ایران فوق العاده است، طی سال ۱۳۹۰، درآمدهای نفتی دولت به ۱۱۳ میلیارد دلار می‌رسد، افزایشی که خیلی زود به کاهش تبدیل می‌شود، یعنی جایی عقب‌تر از ۱۳۸۳. افزایش درآمدهای نفتی دولت‌های نهم و دهم را نمی‌توان به پای تحولات صنعت نفت گذاشت، در واقع قیمت جهانی نفت و تحولات بین‌المللی، این پول را به دولت رساندند. نگاهی به میانگین قیمت هر بشکه نفت ایران طی این سال‌ها پاسخ ما را خواهد داد. ما در سال ۱۳۸۴ هر بشکه نفت را به قیمت ۵۰/۶۶ دلار فروختیم، یعنی قیمت هر بشکه نفت ایران بیش از ۴۶ درصد افزایش داشته، اما صادرات و تولید ما تنها ۲ درصد نسبت به سال ۱۳۸۳ افزایش داشته است. در سال ۱۳۸۵ نیز نسبت به سال ۱۳۸۴ با افزایش قیمت بیش از بیست درصدی قیمت نفت ایران مواجه هستیم، نفت هر بشکه ۶۰ دلاری در حالی صادر شد که تولید و صادرات ایران بیش از ۶ درصد هم نسبت به سال گذشته کاهش و ۲۴۳۳ هزار بشکه در روز رسیده بود. در سال ۱۳۸۶ پس از کاهش بیش از ۶ درصدی روزانه، با افزایش نزدیک به ۲ درصدی تولید، صادرات نفت ایران به ۲۴۸۰ هزار بشکه در روز می‌رسد و همزمان قیمت نفت ایران هم با بیش از ۱۳ درصد افزایش نسبت به سال قبل به ۶۹/۳ دلار در هر بشکه می‌رسد. در سال ۱۳۸۷ شاهد کاهش ۱۷ درصدی تولید نفت هستیم به طوری که تولید روزانه نفت ایران به ۲۰۵۶ هزار بشکه در روز می‌رسد، و از سوی دیگر، با افزایش نزدیک به ۳۷ درصدی قیمت نفت روبرو هستیم. در این سال قیمت هر بشکه نفت ایران به ۹۴/۶۶ دلار می‌رسد. در سال ۱۳۸۸ که قیمت نفت ایران

با بیش از ۳۵ درصد کاهش به ۶۱/۲۵ دلار در هر بشکه رسید، تولید با ۷ درصد افزایش به صادرات روزانه ۲۲۰۲ بشکه ارتقاء یافت. وقتی در سال ۱۳۸۹ نیز قیمت هر بشکه نفت ایران به ۷۶ دلار رسیده بود و بیش از ۲۴ درصد نسبت به سال قبل رشد داشت، تولید و صادرات نفت ایران تنها نزدیک به ۳ درصد افزایش داشت. در سال ۱۳۹۰ شاهد نفت هر بشکه ۱۱۰ دلار هستیم و در سال ۱۳۹۱ هر بشکه نفت ایران ۱۰۷ دلار معامله شده، میزان تولید و صادرات نفت طی این دو سال از سوی مراجع ذی‌ربط اعلام نشده، اما آمارهای اوپک حکایت از درآمد نفتی به ترتیب: ۱۱۳ و ۵۰ میلیارد دلاری در این دو سال دارد. یعنی درآمد نفت ایران در سال ۱۳۹۰ قیمت هر بشکه نفت ۴۴ درصد رشد داشته که نسبت به سال قبل نزدیک به ۵۶ درصد و در سال ۱۳۹۱ که قیمت هر بشکه نفت ایران نزدیک به ۳ درصد کاهش داشته، نزدیک ۵۶ درصد کاهش داشته است. در نبود آمارهای رسمی از میزان تولید و صادرات نفت ایران، کنار هم گذاشتن کاهش قیمت ۳ درصدی و کاهش درآمدهای ۵۶ درصدی تنها یک نکته را نشان می‌دهد، تولید ایران از کاهش قیمت نفت ایران کاهش بیش تری داشته است (آجیلی، سید عسگری، ۱۳۹۳: ۱۱۹-۱۱۲).

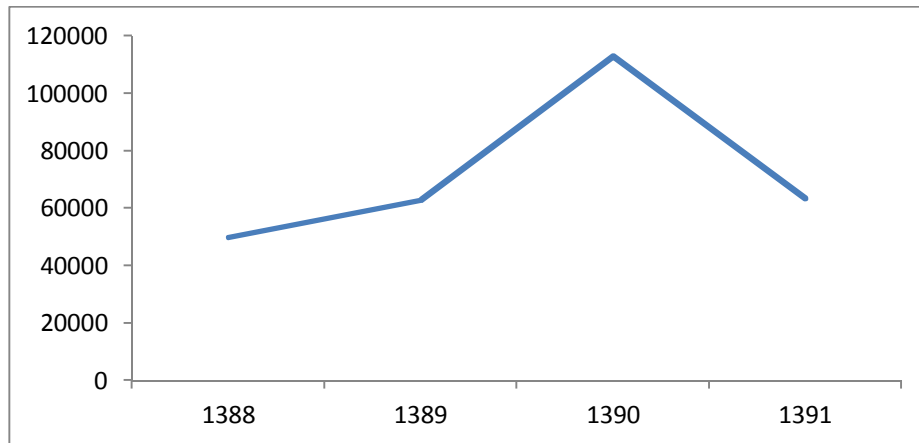
جدول (۳): تولید روزانه نفت در دوره دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد

سال شمسی	تولید نفت (هزار بشکه در روز)
۱۳۸۸	۲۲۰۲
۱۳۸۹	۲۲۶۳
۱۳۹۰	۲۸۵۰
۱۳۹۱	۱۶۰۰

جدول (۴): صادرات نفت در دوره دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد

سال شمسی	درآمدهای حاصل از صادرات نفت (به میلیون دلار)
۱۳۸۸	۴۹۸۴۷
۱۳۸۹	۶۲۷۷۷
۱۳۹۰	۱۱۲۸۶۰
۱۳۹۱	۶۳۳۶۰

تأثیر تحریم‌های اعمال شده بر فروش نفت و نوسانات نرخ ارز در ایران.....



نمودار (۲): درآمد حاصل از صادرات نفت در دوره دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد

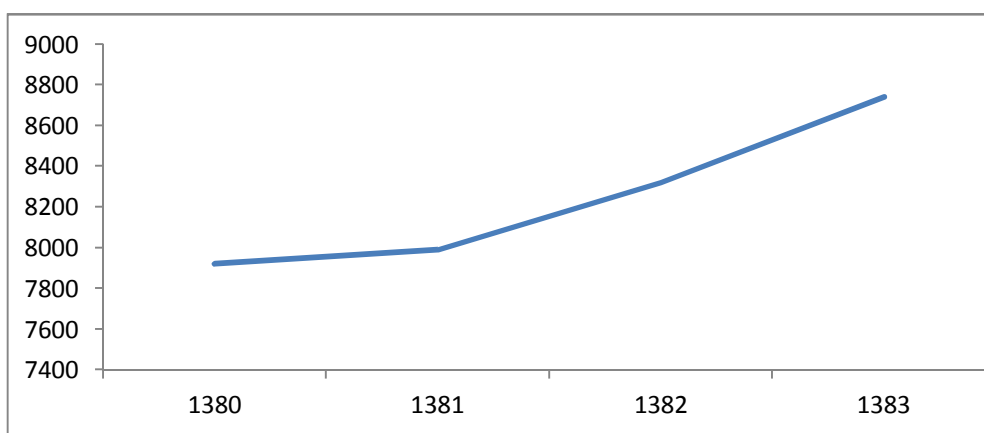
۵. نرخ ارز (دلار) در دولت‌های خاتمی و احمدی نژاد

۵-۱. دوره دوم ریاست جمهوری سید محمد خاتمی

دوره دوم ریاست جمهوری سید محمد خاتمی از سال ۱۳۸۸ شروع شد. که این دوره همزمان بود با سیاست تک نرخی شدن ارز از طریق مدیریت نرخ ارز شناور. در این دوره دولت توانست با پشتوانه درآمدهای حاصل از فروش نفت و صندوق ذخیره ارزی قیمت ارز (دلار) را به صورت تک نرخی مدیریت کند. لازم به ذکر است که دولت خاتمی توانست از طریق سیاست تنش زدایی که در سیاست خارجی خود اعمال نمود میزان تحریم‌ها را به‌ویژه تحریم‌های نفتی علیه ایران را کاهش دهد که نتیجه این امر افزایش صادرات نفتی و همچنین افزایش صندوق ذخیره ارزی بود که دولت توانست با پشتوانه این صندوق ارز مورد نیاز در داخل را تامین نماید. بدین طریق هنگامی که میزان تقاضا در داخل برای ارز افزایش می‌یافت دولت به‌طور مستقیم در بازار دخالت می‌نمود و از افزایش نرخ ارز جلوگیری می‌کرد و هنگامی که میزان تقاضا برای ارز کاهش پیدا می‌کرد با دخالت مستقیم و جمع‌آوری ارز از بازار از کاهش (سقوط) نرخ ارز جلوگیری می‌کرد و بدین‌صورت سعی می‌کرد تا تعادل را در عرضه و تقاضا حفظ کند. شروع دولت دوم سید محمد خاتمی یعنی سال ۱۳۸۰ نرخ ارز (دلار) معادل ۷۹۲۰ ریال بود که در یک سال بعد به ۷۹۹۰ ریال و متعاقب آن در سال ۱۳۸۲ به ۸۳۲۰ ریال و در نهایت در سال ۱۳۸۳ به ۸۷۴۰ ریال افزایش پیدا کرد.

جدول (۵): قیمت ارز (دلار) در دولت دوم سید محمد خاتمی

سال شمسی	قیمت دلار به ریال
۱۳۸۰	۷۹۲۰
۱۳۸۱	۷۹۹۰
۱۳۸۲	۸۳۲۰
۱۳۸۳	۸۷۴۰



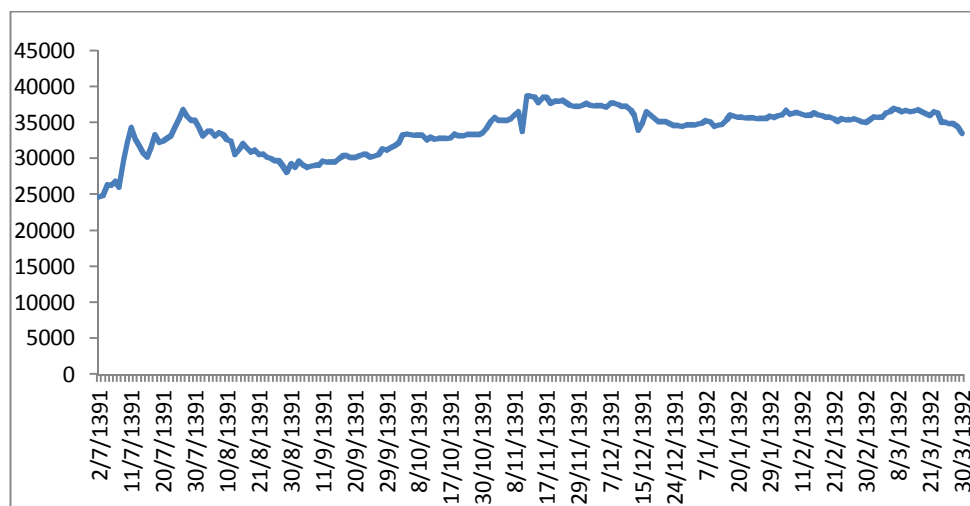
نمودار (۳): نرخ ارز (دلار) در دوره دوم ریاست جمهوری سید محمد خاتمی

۲-۵. دوره دوم ریاست جمهوری محمود احمدی نژاد

نقطه شروع مشکلات ارزی را می توان از سال های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ و تشدید آن را به مهرماه سال ۱۳۸۹ دانست. یعنی زمانی که امارات درخواست حواله های ارزی ایران را رد کرد. مشخصات اصلی شرایط ارزی کشور از (مهرماه ۸۸ لغایت مهرماه ۱۳۹۱) به شرح ذیل است: افزایش نرخ رسمی دلار از ۹۹۱۸ ریال در سه ماهه سوم سال ۱۳۸۸ به ۹۹۹۶ ریال در پایان سه ماهه چهارم همان سال و رسیدن آن به ۱۰۳۴۱ ریال در چهارماه پایانی سال ۱۳۸۹ و ۱۰۶۰۰ در سه ماهه اول سال ۱۳۹۰ بیانگر شیب ملایم نرخ ارز در دوره مذکور است. اما افزایش شتابنده نرخ ارز در دو ماه آذر و دی سال ۱۳۹۰ ارزش پول ملی را در مقایسه با دوره قبل بیشتر کاهش داد. به طوری که نرخ ارز از ۱۳۲۰۰ ریال برای هر دلار در ۳۰ آبان به ۲۰۵۰۰ ریال در ۴ بهمن ۱۳۹۰ رسید یعنی طی حدود دو ماه ارزش پول ملی ۵۵ درصد کاهش یافت.

تاثیر تحریم‌های اعمال شده بر فروش نفت و نوسانات نرخ ارز در ایران.....

اما مهم‌تر از افزایش قیمت ارز، نوسانات شدید آن و آثار مخرب آن در یک سال و نیم اخیر بر تولید و توزیع درآمد ملی است. از ۴ بهمن ۱۳۹۰ تا اردیبهشت ۱۳۹۱ هر دلار از ۲۰۵۰۰ ریال به ۱۵۷۷۰ ریال و از آن تاریخ تا ۳۰ شهریور به ۲۴۴۲۰ ریال تغییر قیمت داد. یعنی پس از آن سقوط ۵۵ درصدی ارزش اولیه پول ملی ۲۳ درصد تقویت شد. در ادامه ارزش پول ملی مجدداً ۵۵ درصد دیگر کاهش یافت (ایران پرتو، ۱۳۹۱). البته از مهرماه سال ۹۱ نرخ ارز به‌طور بی‌سابقه و چشمگیری دچار نوسان شد که به قرار ذیل می‌باشد.

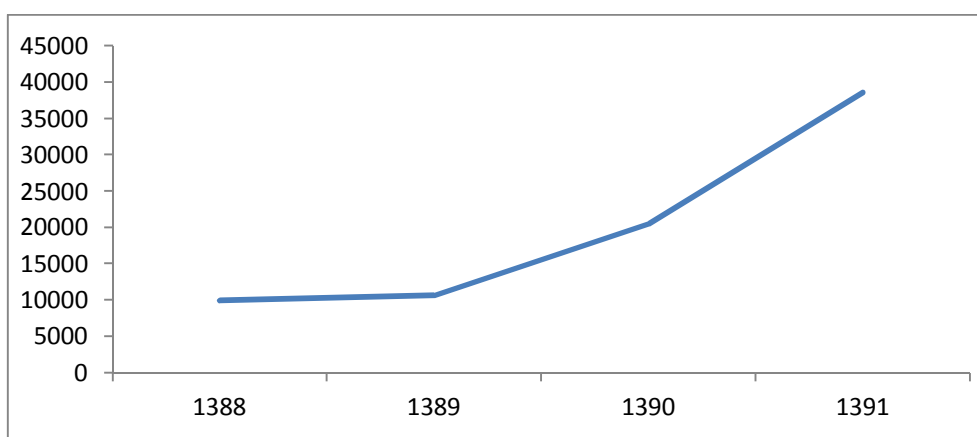


نمودار (۴): نوسانات نرخ ارز در دوره دوم احمدی‌نژاد از ۱۳۹۱/۷/۱ لغایت ۱۳۹۲/۳/۳۰

همانطور که در نمودار (۴) نشان داده شد روند افزایش قیمت ارز (دلار) از شهریور ماه ۱۳۹۱ با نرخ ۲۴۴۲۰ ریال سیر نزولی به خود گرفت و در بهمن ماه همان سال به ۳۸۵۸۰ ریال رسید. بنابراین در یک جمع‌بندی در دوران دوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد یعنی از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۲ نرخ دلار در ایران از ۹۹۱۸ ریال در سه ماهه اول ۱۳۸۸ شروع و در سه ماهه پایانی سال ۱۳۹۱ به ۳۸۵۸۰ رسید که اگر بخواهیم این نوسان را در ۴ سال مورد بررسی قرار دهیم نمودار (۵) به‌دست می‌آید.

جدول (۶): قیمت ارز (دلار) در دوره دوم احمدی نژاد

سال شمسی	قیمت دلار (به ریال)
۱۳۸۸	۹۹۱۸
۱۳۸۹	۱۰۶۰۰
۱۳۹۰	۲۰۵۰۰
۱۳۹۱	۳۸۵۸۰



نمودار (۵): نوسانات نرخ ارز در دوره دوم احمدی نژاد

همان‌طور که در نمودار (۵) مشاهده می‌کنید روند نرخ ارز در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۸۹ دارای شیب ملایمی می‌باشد در حالی که در سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۰ شیب آن تندتر شده و در سال ۱۳۹۱ نیز بیشتر از سال قبل می‌شود. توضیح این نکته لازم است که از سال ۱۳۸۹ بانک مرکزی ایران از سوی آمریکا و سپس اتحادیه اروپا تحریم گردید و تمامی دارایی‌های ایران مسدود گردید و تمامی داد و ستدهای بانکی ایران و همچنین دلارهای حاصل از فروش نفت نیز مسدود گردید و ایران نتوانست حتی درآمدهای حاصل از فروش نفت را که به صورت دلار از کشورهای خریدار نفت خود می‌گرفت از طریق عملیات بانکی به داخل کشور انتقال دهد که این خود نشان دهنده آن است که میزان درآمدهای ارزی ایران به دلیل تحریم بانک مرکزی که قسمت اعظم درآمدهای ارزی کشور می‌باشد کاهش پیدا کرد. بدنبال تحریم بانک مرکزی که باعث کاهش درآمدهای ارزی و همچنین بلا استفاده ماندن این درآمدها شد، در سه ماه دوم

تأثیر تحریم‌های اعمال شده بر فروش نفت و نوسانات نرخ ارز در ایران.....

سال ۱۳۹۱ با شروع تحریم نفتی ایران میزان درآمدهای نفتی ایران نسبت به سال قبل یعنی سال ۱۳۹۰ نصف گردید (البته آمارهای روشنی از فروش نفت ایران در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ از سوی بانک مرکزی اعلام نشده است). بدین ترتیب ایران از سال ۱۳۸۹ که تحریم بانک مرکزی شروع شد نتوانست ارز (دلارهای) حاصل از فروش نفت خود را استفاده نماید و از سال ۱۳۹۱ نیز نتوانست نفت خود را صادر نماید و به عبارت دیگر میزان صادرات نفت که نزدیک به ۲/۳ درآمدهای ارزی کشور می‌باشد به نصف تقلیل یافت.

جدول (۷): مقایسه قیمت دلار و درآمدهای ارزی دوره دوم خاتمی و احمدی نژاد

سال شمسی	قیمت دلار به ریال (خاتمی)	قیمت دلار به ریال (احمدی نژاد)	درآمد ارزی از صادرات نفت (خاتمی) (به میلیون دلار)	درآمد ارزی از صادرات نفت (احمدی نژاد) (به میلیون دلار)
سال اول (۱۳۸۸/۱۳۸۰)	۷۹۲۰	۹۹۱۸	۲۲۵۸	۴۹۸۴۷
سال دوم (۱۳۸۹/۱۳۸۱)	۷۹۹۰	۱۰۶۰۰	۲۰۶۹۱	۶۲۷۷۷
سال سوم (۱۳۹۰/۱۳۸۲)	۸۳۴۰	۲۰۵۰۰	۲۷۱۹۰	۱۱۲۸۶۰
سال چهارم (۱۳۹۱/۱۳۸۳)	۸۷۴۰	۳۸۵۸۰	۳۶۳۵۵	۶۳۳۶۰

در چهار سال ریاست جمهوری خاتمی (۱۳۸۴-۱۳۸۰) و دو سال اول احمدی نژاد (۱۳۸۸ و ۱۳۸۹) منحنی قیمت ارز (دلار) دارای شیب بسیار کمی می‌باشد و این به این خاطر می‌باشد که هنوز تحریم‌های بانک مرکزی و از آن مهمتر تحریم‌های نفتی شروع نشده است. با شروع تحریم بانک مرکزی که از سال ۱۳۸۹ شروع شد شیب منحنی نرخ ارز افزایش می‌یابد. البته ممکن است این سوال مطرح گردد که منحنی درآمد ارزی از صادرات نفت در همان سال و سال بعد یعنی سال ۱۳۹۰ رشد بسیار بالایی را نشان می‌دهد پس علت افزایش نوسان ارز (دلار) چه می‌باشد؟ در پاسخ باید گفت که درست است که درآمد ارزی کشور در دو سال ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به علت افزایش قیمت نفت چشمگیری داشته است ولی به علت تحریم بانک مرکزی و همچنین بسیاری از بانک‌های دولتی از جمله ملی، ملت، صادرات و.... امکان مبادله حجم بالای پولی و مالی از طریق سیستم‌های بانکی متوقف شد در نتیجه کشور نتوانست از این فرصت طلایی استفاده نماید. از سال ۱۳۹۱ نیز نوسانات نرخ ارز همان‌طور که

هم در نمودار (۵) ملاحظه می‌کنید و هم در جدول (۷) به تفصیل ارایه شده است به صورت بی‌سابقه‌ای افزایش می‌یابد که آن هم به علت شروع تحریم نفتی می‌باشد. همان‌طور که منحنی مربوط به درآمد ارزی از صادرات نفت نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۱ درآمد نفتی کاهش شدیدی پیدا می‌کند. علت آن این است که بر اثر تحریم‌ها کشورهای هند، کره جنوبی، ژاپن به‌عنوان عمده خریداران نفت ایران، خرید خود را از ایران به $\frac{1}{3}$ کاهش می‌دهند. در نتیجه کشور دچار افت شدید درآمد ارزی می‌شود از یک سو تحریم بانک مرکزی مانع از انجام مبادلات ارزی شده و از سوی دیگر درآمد ارزی از فروش نفت کاهش می‌یابد، و چون کشور یاران جزو کشورهای رانتیر می‌باشد که وابستگی شدید به درآمدهای نفتی دارد و عمده درآمد خود را از طریق صادرات نفت به دست می‌آورد. در چنین شرایطی میزان توان ارزی کشور کاهش پیدا کرده و این امر باعث ایجاد نوسان در بازار ارز شده است.

نتیجه‌گیری

سیدمحمدخاتمی در سال ۱۳۸۰ برای دومین بار سکان اداره کشور را به دست گرفت به عبارت دیگر دوره دوم ریاست جمهوری خاتمی از سال ۱۳۸۰ شروع و در سال ۱۳۸۴ به پایان رسید. در طول این چهار سال بازار ارز بر اساس آمار ارائه شده از سوی بانک مرکزی دارای نوسان بسیار کمی بوده است. یعنی در سال ۱۳۸۰ (شروع دولت هشتم) نرخ دلار ۷۹۲۰ ریال و در پایان دوره نرخ دلار برابر با ۸۵۷۰ ریال شد. این در حالی است که قیمت هر بشکه نفت در سال ۱۳۸۰، برابر با ۳۶ دلار بود. از سوی دیگر به جهت اتخاذ سیاست تنش زدایی در سیاست خارجی و تعامل موثر با جامعه جهانی توانست میزان تحریم‌ها را کاهش دهد و میزان درآمدهای نفتی ایران افزایش دهد. که نتیجه آن ایجاد صندوق ذخیره ارزی بود که به پشتوانه این صندوق توانست سیاست مدیریت ارز شناور را برای اولین بار پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران با موفقیت به اجرا درآورد. مدیریت ارز شناور بدین صورت می‌باشد که با ایجاد تعادل عرضه و تقاضا در بازار ارز می‌توان از افزایش و کاهش شدید ارز در بازار جلوگیری شود. یعنی هر زمان میزان تقاضا در داخل برای ارز افزایش می‌یابد دولت به پشتوانه صندوق ذخیره ارزی بانک مرکزی در بازار دخالت می‌کند و ارز مورد نیاز را تامین می‌کند و بدین نحو از سقوط پول ملی در مقابل ارز خارجی (دلار) جلوگیری می‌کند. از سوی دیگر در صورت افزایش میزان ارز

تأثیر تحریم‌های اعمال شده بر فروش نفت و نوسانات نرخ ارز در ایران.....

در بازار به‌طور مستقیم بانک مرکزی مبادرت به خرید ارز می‌کند تا از کاهش آن جلوگیری نماید و از این طریق از تولید داخل حمایت نماید.

محمود احمدی‌نژاد در سال ۱۳۸۴ برای دومین بار به‌عنوان ریاست جمهوری انتخاب شد. و با پایان دوره چهارسال تصدی او در سال ۹۲ بازار ارز بر اساس آمار ارزیابی شده دارای نوسان و البته در سال‌های پایانی یعنی سال ۱۳۹۱ دچار نوسان شدید گردید. در سال ۱۳۸۸ نرخ ارز (دلار) در ایران ۹۹۱۰ ریال و در سه ماهه پایانی سال ۱۳۹۱ به ۳۸۵۸۰ ریال افزایش پیدا کرد. این در حالی است که قیمت هر بشکه نفت در ۲ سال پایانی دولت دهم بی‌سابقه در سی و چهار سال پس از پیروزی انقلاب می‌باشد. نکته‌ای که باید به آن باید تامل کرد این است که میزان درآمد نفتی ایران در سال ۱۳۹۰ حدود ۱۱۳ میلیارد دلار بوده است ولی در سال ۱۳۹۱ به علت تحریم نفتی ایران درآمد کشور به نصف یعنی حدود ۶۳ میلیارد کاهش پیدا می‌کند. آشفتگی بازار ارز در ایران از سال ۱۳۸۹ شروع شد که مصادف بود با شروع تحریم بانک مرکزی از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا، که تمامی درآمدهای ارزی ایران حاصل از فروش نفت در اکثر کشورها مسدود شد. همچنین امکان مبادلات بانکی با دیگر کشورها بسیار سخت و به عبارت دیگر انتقال ارز حاصل از فروش نفت از طریق سیستم‌های بانکی متوقف شد. همین امر باعث گردید تا بانک مرکزی نتواند به دارایی‌های خود (ارز و طلا) دسترسی داشته باشد. که باعث ایجاد نوسان در بازار ارز در سال ۱۳۸۹ گردید و قیمت دلار از ۹۹۱۰ در سال ۱۳۸۸ به ۱۱۰۰ در سال ۱۳۸۹ افزایش یافت. در پی عدم دسترسی ایران به درآمدهای ارزی در سال ۱۳۸۹، شاهد تحریم نفتی ایران بودیم که با اعمال این تحریم‌ها در سال ۱۳۹۱، درآمدهای ایران از حدود ۱۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۰ به حدود ۶۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۱ کاهش پیدا کرد. از آنجایی که بزرگترین بخش درآمد ارزی ایران از طریق صادرات نفت می‌باشد. با کاهش درآمدهای نفتی در اثر تحریم‌ها، میزان ارز در داخل کشور کاهش یافت و در نتیجه آن بوجود آمدن نوسانات بازار ارز در سال ۱۳۹۱ بود. صندوق ذخیره ارزی صندوقی است که بانک مرکزی در زمانی که میزان تقاضا در داخل نسبت به ارز (دلار) افزایش یابد به پشتوانه آن می‌توان در بازار ارز دخالت کرد تا آن را متعادل نماید و از افزایش آن جلوگیری به عمل آورد. به دنبال تحریم و مسدود کردن دارایی بانک مرکزی در سال ۱۳۸۹ این امکان برای دولت میسر نبود و لذا دولت نتوانست از سقوط پول ملی در برابر ارز خارجی (دلار) جلوگیری و در نتیجه

قیمت دلار در نیمه دوم سال ۱۳۹۰ به ۲۴۶۰۰ ریال رسید. در پی اعمال تحریم بانک مرکزی، در نیمه دوم سال ۱۳۹۱ تحریم نفتی ایران از سوی آمریکا و اتحادیه اروپا آغاز شد. از آنجایی که دول غربی به وابستگی شدید ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت واقف بود درصدد برآمدند تا با اعمال فشار بر این شاهراه درآمدی ایران، ایران را مجاب نماید تا بر سر میز مذاکره برگردد. به جهت وابستگی شدید ایران به نفت و بر اثر کاهش درآمد نفت ایران در سال ۱۳۹۱ به نصف، بلافاصله نوسان نرخ ارز در ایران از مهرماه ۱۳۹۱ آغاز گردید چون دیگر دولت نمی‌توانست جوابگوی تقاضای ارز در داخل باشد. سیر صعودی ارز (دلار) در مقابل ریال ادامه پیدا کرد و در مهرماه ۱۳۹۱ از مرز ۳۰۰۰۰ ریال نیز گذشت. حتی در نیمه پایانی سال ۱۳۹۱ به ۳۸۵۸۰ نیز رسید. بنابراین طبق شواهد و نتایج به دست آمده، با کاهش درآمد نفت و به دنبال آن افزایش نوسان در بازار ارز می‌توان به این نتیجه دست یافت که تحریم‌های نفتی در ایران باعث افزایش نوسانات نرخ ارز شده است.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

- آجیلی، هادی، روشن و سید عسگری واجد (۱۳۹۳). «بررسی دیپلماسی انرژی جمهوری اسلامی ایران در دوران ریاست جمهوری آقایان خاتمی و احمدی‌نژاد»، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۱، بهار، صص: ۹۹-۱۲۵.
- آقابخش، علی و افشاری‌راد، مینو (۱۳۷۴). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز مطالعات و مدارک علمی ایران.
- احسانی، محمدعلی، خانعلی پور، امیر و عباسی، جعفر (۱۳۸۸). «اثر بی ثباتی نرخ ارز بر صادرات غیر نفتی در ایران»، پژوهشنامه علوم اقتصادی، سال نهم، شماره ۳۳، بهار، صص ۳۴-۱۳.
- انواری، امیرهادی (۱۳۹۲). «تفاوت درآمدهای نفتی سه دولت سازندگی، اصلاحات و اصولگرا»، روزنامه شرق، شماره ۱۷۳۶، یکشنبه ۲۹ اردیبهشت، مندرج در سایت: <http://sharghdaily.ir/News/10653>.
- برث، ریچارد (۱۳۸۱). «سیاست نرخ ارز»، مجله بانک و اقتصاد، شماره ۲۷، شهریور، صص ۴۷-۴۵.
- ذاکریان، مهدی (۱۳۸۲). خاورمیانه و حقوق بشر آمریکایی، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.

تأثیر تحریم‌های اعمال شده بر فروش نفت و نوسانات نرخ ارز در ایران.....

زمان‌زاده، حمید (۱۳۸۹). «مدیریت نرخ ارز در اقتصاد ایران»، *مجله تازه‌های اقتصاد*، سال هشتم، شماره ۱۳۰.

زهرانی، مصطفی (۱۳۷۶). «تحریم اقتصادی از نظر تا عمل»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال یازدهم، شماره ۱، بهار، صص ۲۸-۱۷.

ساعدوکیل، امیر و تحصیلی، زهرا (۱۳۹۳). *ایران و تحریم‌های بین‌المللی*، تهران: مجمع علمی و فرهنگی مجد.

سخائی‌اردکانی (۱۳۸۹). *تحریم آمریکا علیه ایران* (شکست یک تحریم)، تهران: آرون.

طغیانی، مهدی (۱۳۹۳). *مقدمه‌ای بر اقتصاد تحریم* (مبانی نظری و تاریخیچه تحریم در جهان و ایران)، تهران: سازمان پدافند غیرعامل کشور/ قرارگاه پدافند اقتصادی.

عادلی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰). «آثار و پیامدهای تحریم بانک مرکزی»، *دیپلماسی ایرانی*، چهارشنبه ۱۲ بهمن، مندرج در سایت <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1897496>

فدائی، مهدی و درخشان، مرتضی (۱۳۹۴). «تحلیل اثرات کوتاه‌مدت و بلندمدت تحریم‌های اقتصادی بر رشد اقتصادی در ایران»، *فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی*، دوره ۵، شماره ۱۸، بهار، صص ۱۳۲-۱۱۳.

فریادرس، ولی‌اله (۱۳۹۴). *اثر تحریم و تحلیل شرایط پس از آن بر بخش کشاورزی ایران*، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

مجله بانک و اقتصاد (۱۳۸۱). «تعریف نرخ ارز»، *مجله بانک و اقتصاد*، شماره ۲۷، شهریور، صص ۴۸-۴۷.

ولی‌زاده، اکبر (۱۳۹۰). «رهیافت‌ها و نظریه‌های کارایی تحریم در اقتصاد سیاسی بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار، صص ۳۶۵-۳۴۹.

وصالی، ساناز و ترابی، مهرانوش (۱۳۸۹). «اثرات تحریم بانک‌ها بر اقتصاد و سیستم بانکی»، *بانک و اقتصاد*، شماره ۱۱۱، بهمن، صص ۴۴-۳۸.

ب) منابع انگلیسی

- Carter, Barry, E (1988). **International Economic Sanction: Improving the Haphazard U.S. Legal Regime**. Cambridge University Press
- Davidsson, Elias (1996). **Ten Myths about the Sanctions Against Iraq**: By, 15 July 1994. World History Archives.
- Doxey, Margaret (1990). "International Sanctions", In *World Politics: Power, Interdependence and Dependence*, Canada: Harcourt Brace, Jovanovich.

- Hufbauer, Gary, Schott, Jeffery and Kimberly, Elliot (1990). **Economic Sanctions Reconsideration today and Current Policy**. Washington, D.C: Institute for International Economics.
- Malloy, Michael P. (1990). **Economic Sanctions and U.S. Trade**. Boston: Little Brown.
- Quinn, Robert, P.O., Policy Analyst (1997). **The Heritage Foundation Backgrounder**, No. 1126 of 25 June. Page 28.